

اصول انسانی و اخلاقی در جنگهای

پیامبر اسلام (ص)

ابراهیم محمدی^۱

چکیده:

فرماندهی نظامی، آن هم در عالی‌ترین سطح، از شئون رسول خدا (ص) به عنوان حاکم اسلامی بوده است. آن حضرت پس از هجرت به مدینه، دهها نبرد موفقیت‌آمیز را علیه دشمنان اسلام فرماندهی کردند.

این مقاله با نگاهی به سیره پیامبر اکرم (ص) در شأن و جایگاه فرماندهی، کوشیده است نمونه‌های عملی را در بعد انسانی و اخلاقی آن حضرت در جنگهایشان ارائه نماید تا بتواند الگوی عملی برای نیروهای نظامی جمهوری اسلامی مخصوصاً سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باشد.

ایشان و از خودگذشتگی، ترحم بر اسیران و سفارش در مورد آنان، امانت‌داری، پیش‌دستی نکردن برای شروع جنگ، سعی در کاهش تلفات، بازگذاشتن باب گفتگوی سیاسی، عفو و رحمت در جنگ، توجه به خدای متعال، مهرورزی با زیردستان، تکریم خانواده شهیدان و مشورت با مجاهدان، بخشی از سیره اخلاقی و انسانی پیامبر اسلام (ص) در نبردهای متعدد ایشان با کفار و دشمنان است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: اخلاق نظامی، جنگهای پیامبر، پیامبر اعظم (ص)، اصول

انسانی و اخلاقی

^۱ - عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

مقدمه:

رسول اکرم (ص) جنگهای بسیاری را فرماندهی کردند و سریه‌های زیادی را انجام دادند. فرماندهی شایسته، مستلزم برخورداری از شرایط و صفاتی از جمله اخلاق عالی و صفات برتر عقلی است که باید به وفور در یک شخص وجود داشته باشد. به طور مسلم رسول خدا (ص) نیز به اخلاقی آراسته بودند که خداوند در مورد او می‌فرماید: *وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ* (قلم/۴). موصوف بودن به این اخلاق از ایشان یک فرمانده موفق ساخته بود؛ به گونه‌ای که در جنگها و سریه‌ها علاوه بر رعایت اصول جنگی و مدیریت موفق جنگی، اصول انسانی و اخلاقی را نیز در نبردهای خویش با دشمنان؛ کاملاً رعایت می‌نمود.

پیامبر اکرم (ص) از برجسته‌ترین صفات اخلاقی مانند راستگویی، امانتداری، وفاداری به عهد و پیمان، مسلط بر خشم و غضب، عفو و گذشت با وجود قدرت، اخلاص در عمل، صبر، رفق و مدارا، محبت و تواضع او در بین لشکریان و بسیاری دیگر از صفات نیکوی اخلاقی برخوردار بودند. چنین فردی با چنین خصوصیتی نمی‌توانستند فردی بی‌رحم و خشن باشند. حتی در جنگها و اوج سختیها، این صفات اخلاقی و انسانی را بیشتر به منصفه ظهور می‌رسانیدند.

ویژگی های اخلاقی پیامبر در جنگ :

در اینجا به نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها که می‌تواند برای فرماندهان و نیروهای نظامی الگوی مناسبی قرار بگیرد، اشاره می‌گردد:

۱- برخورد با اسیران

-ترحم بر اسیران



پیامبر اسلام وقتی که شنید زنی را در جبهه اسیر کرده‌اند و بعد از اسارت او را از کنار جنازه همسرش عبور داده‌اند تا دل زن بیشتر بسوزد به شدت ناراحت شد و فرمود: گرچه زن کافر و دشمن است و در جنگ در برابر مسلمانان به پا خاسته است ولی اکنون که اسیر شده، ما نباید بیش از رفتار عادلانه با اسیر دل او را بسوزانیم و عبور دادن این زن اسیر از کنار جنازه شوهرش کار افراطی و دور از اعتدال است. (قرائتی، ۱۳۸۵، ص ۶۶)

ناراحتی پیامبر از شنیدن خبر کشته شدن چند کودک دشمن

در جنگ حنین وقتی که به پیامبر گزارش رسید که چند کودک دشمن هم کشته شده‌اند، از این خبر سخت متأثر گردید و سه مرتبه فرمود: چه حالی دارند اقوامی که به کشتار کودکان دست زده‌اند، آگاه باشید کشتن کودکان ممنوع است و در پاسخ یکی از اصحاب که عرضه داشت این کودکان از فرزندان مشرکین بوده‌اند، فرمود: مگر برگزیدگان شما فرزندان مشرکان نبوده‌اند؟ اطفال در فطرت پاک خود قرار دارند. (عبداللهی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴)

سفارش درباره اسیران

ابوالعباس بن ربیع می‌گفت: در دست گروهی از انصار بودم که خرمای زیاد و نان کمی داشتند، اما هنگامی که وقت نهار و شام فرا می‌رسید، خودشان خرما می‌خوردند و به من نان می‌دادند تا جایی که اگر مقداری نان به دست یکی از آنها می‌رسید، آن را به من می‌داد. که خدا به آنها جزای خیر عنایت فرماید.

ولید بن مغیره مثل همین را می‌گفت و اضافه می‌کرد: آنها ما را بر مرکبهای خود سوار می‌کردند و خودشان پیاده می‌رفتند. ابن اسحاق از ابی عزیز بن عمیر برادر مصعب بن عمیر که پرچمدار مشرکان در بدر بعد از نضربن حارث برای



بنی‌الددار بود، نقل می‌کند که گفت: در میان گروهی از انصار بودم که مرا از بدر به سوی مدینه می‌بردند و به خاطر سفارش رسول‌الله (ص) هنگامی که وقت شام و نهار فرا می‌رسید تنها به من نان می‌دادند و خودشان خرما می‌خوردند و حتی اگر یکی از آنها به تکه نانی دست می‌یافت آن را به من می‌داد. (یوسفی غروی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۳)

واقعی می‌گوید: از میان اسرای بدر، رسول‌الله (ص) بر ابوعزه، عمرو بن عبدالله جمحی منت گذاشت و او را بدون فدیة آزاد کرد، او مردی شاعر بود که به رسول خدا گفت: من پنج دختر دارم که چیزی ندارند، بنابراین مرا به خاطر آنها ببخش و در مقابل به تو قول شرف می‌دهم که هیچ گاه در جنگ علیه تو شرکت نکنم و اقدامی علیه تو انجام ندهم، پس رسول خدا او را بدون فدیة آزاد کرد. (یوسفی غروی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۲)

مقایسه این گونه برخوردهای پیامبر اسلام با عملکرد دشمنان اسلام در زندانهای گوانتانامو و ابوغریب عراق و در افغانستان و شکنجه و آزار و اذیت‌های وحشیانه آنان می‌تواند چهره اسلام و رحمت و رأفت پیامبر اسلام را با چهره دشمنان اسلام آشکار سازد و هر وجدان منطقی را به قضاوت عادلانه بنشانند.

۲- امانتداری

یسار حبشی، غلام سیاه عامر یهودی بود که گوسفندان وی را در اطراف خیبر می‌چرانید. او وقتی دید که یهودیان خیبر برای جنگ مهیا می‌شوند از آنها پرسید: می‌خواهید با چه کسی بجنگید؟ با کسی که گمان می‌کند پیامبر است! این جمله حس کنجکاوی بسیار را برانگیخت، برای همین در زمان محاصره



گوسفندان را به سوی اردوگاه سپاه اسلام پیش برد تا به آنها رسید، سپس نزد پیامبر اکرم رفت و پرسید: ای محمد، چه می‌گویی و به سوی چه دعوت می‌کنی؟ فرمود: همه را به اسلام دعوت می‌کنم تا شهادت بدهند: لا اله الا الله، محمد رسول الله.

بعد از آشنایی با اسلام، او اسلام را پذیرفت و سپس پرسید: با این گوسفندان که به عنوان ودیعه پیش من هستند، چه کنم؟ فرمود: آنها را از اردوگاه لشکر بیرون ببر و جهت حرکتشان را مشخص کن و آنها را هلی کن تا پیش بروند. خداوند اما تو را ادا خواهد کرد. آن غلام همین کار را کرد و بدین ترتیب گوسفندان به صاحبان اصلی خویش بازگردانده شدند. (یوسفی غروی، ۱۳۸۲، ص ۳۳)

اسلام خیانت در امانت را حتی برای دشمنان خویش نیز جایز نمی‌داند؛ چه رسد به خیانت در امانت بین مسلمانان و این نمونه‌ای کوچک است که اسلام این گونه اصول انسانی و اخلاقی را مراعات می‌کند.

۳- پیش‌دستی نکردن برای شروع جنگ

واقعی می‌نویسد: هنگامی که رسول خدا به قلعه ناعم در نظام رسید، لشکر خود را صف‌آرایی کرد؛ اما آنها را از شروع جنگ نهی کرد تا هنگامی که به آنها اجازه بدهد. با وجود این، یکی از سپاهیان اسلام از قبیله اشجع به یک یهودی حمله کرد و او را کشت و در مقابل مرحب یهودی به آن مسلمان حمله کرد و او را به قتل رسانید.

به پیامبر اکرم عرض کردند: فلانی شهید شد. رسول خدا (ص) پرسید: آیا بعد از آن که او را از جنگیدن نهی کردم شهید شد: گفتند بله.



آنگاه رسول خدا (ص) دستور داد که جارچی در میان مسلمانان اعلام کند: آگاه باشید که بهشت برای فرد خاطی و متخلف مهیا نیست. (یوسفی غروی، ۱۳۸۲، ص ۳۴)

اسلام می‌خواهد تا آخرین لحظه فرصت برگشت به دین حق و راه درست فراهم باشد، دنبال هدایت است، نابودی دشمنانش را نمی‌خواهد، هدایت آنان را می‌طلبد.

۴- عفو و گذشت

در سال هشتم هجری پیامبر اسلام وقتی مکه را فتح نمود و بتها را در هم کوبید، سخت‌ترین دشمنان خود را نیز عفو نمود؛ حتی زن کافری را که با تهیه غذای مسموم، توطئه قتل رسول خدا را چیده بود، بخشید.

یکی از سران بت پرست به نام صفوان که از قبیله بنی‌امیه بود به شهر جده که در نزدیکی مکه است فرار کرد برخی نزد رسول خدا آمدند و برای او امان‌نامه‌ای درخواست کردند، پیامبر عمامه خود را برای او فرستاد تا با این نشانه در امان باشد و به مکه وارد شود، صفوان به مکه برگشت و از پیامبر دو ماه مهلت خواست تا فکر کند. پیامبر چهار ماه به او مهلت داد. صفوان جذب پیامبر شد و با اختیار اسلام را پذیرفت. (قرائتی، ۱۳۸۵، ص ۹۶)

نمونه‌ای دیگر:

در جنگ حنین نه فقط اکثریت را بخشید و اموال و اسیرانشان را برگرداند، بلکه مالک بن عوف رهبر هوازن را نیز عفو کرد و صد شتر به او داد و بعد از این که مالک اسلام آورد، پیامبر او را به رهبری مسلمانان هوازن که به نوشته ابن‌هشام شش هزار نفر بودند، گمارد و بنی‌سعد را به دلیل این که از حلیمه سعدیه در کودکی شیر خورده بود، بخشید. (حسنی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵)



بعد از فتح مکه پیامبر اکرم (ص) دست در حلقه در خانه کعبه کرد و خطاب به اهل مکه که در آنجا جمع بودند، فرمود:

شما چه می‌گویید و چه گمان دارید؟ درباره شما، چه دستوری بدهم؟ آنان گفتند: ما جز نیکی از تو انتظار نداریم، تو برادر بزرگوار و فرزند برادر بزرگوار مایی و امروز به قدرت رسیده‌ای، ما را ببخش. اشک در چشمان پیامبر (ص) حلقه زد و صدای گریه مردم مکه نیز بلند شد.

پیامبر اکرم فرمود: من در باره شما همان می‌گویم که برادرم یوسف گفت: «امروز هیچ گونه سرزنش و توبیخی بر شما نخواهد بود. خداوند شما را می‌بخشد و او ارحم الراحمین است» (یوسف، آیه ۹۲)

و آن گاه آیه ۱۳ سوره حجرات را تلاوت کرد و توصیه‌هایی نیز به آنان فرمود و همگان را مشمول عفو عمومی خود قرار داد. (پورامینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵)

۵- بازگذاشتن باب گفتگوی سیاسی

یکی از نشانه‌های بارز و روشن جنگ طلب نبودن رسول خدا (ص) بازگذاشتن باب مذاکره سیاسی بود. به گواهی تاریخ، ایشان با سرسخت‌ترین دشمنان خود یعنی ابوسفیان روابط سیاسی خود را قطع نکرد، خود یا فرستاده‌های او را به حضور می‌پذیرفت، به نامه‌ها و پیامهای پاسخ می‌داد و درباره مسائل سیاسی - نظامی با او گفتگو می‌کرد؛ حتی در روزهای جنگ نیز همین روش ادامه داشت. در جنگ احزاب با قبیله غطفان وارد گفتگو شد تا شاید آنها را از جنگ منصرف کند. هنگام محاصره بنی‌قریظه پیوسته با آنان در حال گفتگو و مذاکره سیاسی بود، شاید بتواند آنها را وادار به تسلیم کند و جنگی در نگیرد. چیزی که

باعث شد مکه بدون خونریزی گشوده شود، همین روحیه و شیوه رسول خدا(ص) بود.

۶- سعی بر کاهش تلفات

رسول گرامی اسلام(ص) می‌کوشیدند تا جنگها کمترین تلفات جانی و مالی را داشته باشد. تعرض به غیر نظامیان و ویران ساختن آبادیها به وسیله فاتحان همیشه معمول بوده، اما رسول خدا(ص) چنین نمی‌کرد و دست رزمندگان را به غارت و چپاول نمی‌گشود. برای مثال یهودیان خیبر از سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بودند، وقتی رسول خدا بر آنان پیروز شد، اجازه داد در مزارع به کشت و کار پرداخته، مقداری از درآمد را به حکومت اسلامی بدهند، در حالی که قدرت داشت همه آنها را نابود کند.

آمار کشتگان جنگهای زمان پیامبر(ص) بر اساس منابع تاریخی

تعداد کشته‌شدگان بر اساس منابع تاریخی					نام جنگ	وقوع زمان جنگ
سیره ابن ه	تاریخ یعقوبی	طبقات	بحار الانوار	تاریخ طبری		
۸۴	۸۶	۸۴	۸۴	۸۴	بدر	سال دوم
۹۲	۹۰	۱۰۹	۱۰۹	۷۰	احد	سال سوم
۹	۱۴	۱۱	۹	۹	خندق	سال پنجم
۸۵۰	۷۵۰	۷۰۰	۹۰۰	۸۵۰	بنی قریظه	سال پنجم
-	-	۱۰	۱۰	-	بنی المصطلق	سال ششم
۲۳	-	۹۸	-	۳	خیبر	سال هفتم
۱۳	-	۱۳	-	۳	موته	سال هشتم
۲۰	-	۳۳	-	۲۱	فتح مکه	سال هشتم
۱۰۱	-	۸۷	۱۱۲	۸۵	حنین و طائف	سال هشتم
۱۲۲	-	۱۱۹	۳۳۳	۲۱۰	بقیه جنگها	-
۱۳۱۴	۹۴۰	۱۲۶۴	۱۵۵۷	۱۳۳۵	مجموع جنگها	



میانگین ۱۲۸۲

آیا عدد ۱۲۸۲ که میانگین آمار پنج منبع مهم معتبر است و در موارد اختلاف با مراعات اعداد حداکثر، تنظیم شده، با آمار مقتولان جنگهای صلیبی به مسیحیان و دیگر سردمداران جهان قابل مقایسه است؟ (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴۹) این حقایق نشان دهنده آن است که رسول خدا(ص) ضمن مراعات اصول اخلاقی و انسانی در جنگها، هدفی جز هدایت‌گری و دلسوزی برای انسانهای عصر خویش و همه زمانها نداشته است.

آیا می‌توان چنین گفت که حضرت محمد(ص) اسلام را به وسیله شمشیر در قلب مردم جای داد؟!

۷- تکریم خانواده شهیدان

پس از شهادت جعفر بن ابی طالب در سربیه موته، رسول خدا(ص) به خانه او رفت و از همسرش، اسماء پرسید: فرزندان من کجا هستند؟ عبدالله و فرزندان جعفر به نامهای عبدالله، عون و محمد را به حضور پیامبر آورد. اسماء از محبت شدید پیامبر به فرزندانش دریافت که جعفر شهید شده است. از این رو پرسید: گویا فرزندان من یتیم شده‌اند، رسول خدا(ص) به شدت گریست. آنگاه به دخترش فاطمه سلام الله علیها، فرمود که غذایی تهیه و سه روز از همسر و فرزندان جعفر پذیرایی کند. فرزند بزرگ جعفر از محبت پیامبر چنین سخن گفته است: هنگامی که پیامبر به خانه ما آمد و خبر شهادت پدرم را داد، فراموش نمی‌کنم که آن حضرت چگونه بر سر من و برادرم دست نوازش و مهربانی می‌کشید و در حالی که از چشمان مبارکش اشک جاری می‌شد، می‌فرمود: خدایا جعفر برای رسیدن به بهترین ثوابها پیشگام شد، تو نیز جانشین او برای فرزندان

باش. رسول خدا(ص) همچنین برای دلجویی از خانواده زیدبن حارثه که او نیز در سریه موته به شهادت رسیده بود به منزل وی رفت (اکبری، ۱۳۸۵، ص ۷)

۸- اخلاص و توجه به خدای متعال

پیامبر اسلام هنگام اعزام سریه‌ای وقتی به او خبر رسید که رزمنده‌ای از رزمندۀ دیگری می‌خواهد که او را همراه خود ببرد تا خادمی یا چارپایی یا مالی به دست آورد، فرمود: اعمال در گرو نیات هستند و برای هر کس آنچه نیت کرده است می‌ماند، پس هر کس برای آنچه نزد خداست بجنگد، پاداشش بر خدای متعال است و هر کس دنبال دنیا باشد یا زانوبند شتری را بخواهد، پاداشش همان است که نیت کرده است. رسول خدا با این سخنان، مجاهدان را به اخلاص ترغیب می‌کرد. (اکبری، ۱۳۸۵، ص ۹)

۹- سفارشات اخلاقی و انسانی پیامبر اسلام به لشکریان اسلام هنگام

عزیمت به جنگ موته

پس از آن که لشکر اسلام آماده حرکت شدند، مردم به بدرقه آنها رفتند و با آنها خداحافظی کرده و برایشان دعا کردند و رسول خدا در خطابه‌ای فرمود:

شما را به تقوی و خیر و نیکی نسبت به مسلمانانی که با شما هستند توصیه می‌کنم... با نام خدا و در راه خدا حرکت کنید و با کسی که به خدا کفر می‌ورزد بجنگید و پیمان‌شکنی و خیانت نکنید و بچه‌ها را به قتل نرسانید.

آنگاه رسول خدا لشکر اسلام را تا ثنیه‌الوداع بدرقه کرد و در آنجا ایستاد و لشکریان هم اطراف آن حضرت ایستادند و او خطاب به آنها فرمود:

با نام خدا حرکت کنید و با دشمن خدا و دشمن خودتان در شام بجنگید. در آنجا افرادی را می‌بینید که در صومعه‌ها به عبادت مشغولند، متعرض آنها



نشوید و افرادی را می بینید که سرشان آشیانه شیطان است، پس آن سرها را با شمشیر از تن جدا کنید... و اصلاً زنان و بچه ها و پیرمردان را نکشید و نخل ها را به آتش نکشید و درختها را قطع نکنید و خانه ها را خراب نکنید. (یوسفی غروی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱)

۱۰- رحمت پیامبر

هنگامی که در جنگ احد دندانهای پیشین پیامبر شکست و چهره اش زخم برداشت و خونین شد، این امر بر یاران آن حضرت بسی گران آمد و گفتند: چه می شود که بر دشمنان نفرین کنی؟ پیامبر(ص) پاسخ داد:

«انی لم ابعث لعناً ولكن بعثت داعياً و رحمه اللهم اهد قومی فانهم لا يعلمون»

من به لعن و نفرین مبعوث نشده ام، بلکه برای دعوت و رحمت برانگیخته شده ام. بار خدایا قوم مرا هدایت کن که ایشان (خیر و صلاح خود را) نمی دانند. (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰)

رسول خدا چون گروهی را به جنگ می فرستاد، فرمانده آنها را فرا می خواند و در کنار خود جای می داد و یارانش را در پیش می نشاندد. سپس به آنها می فرمود: به نام خداوند و با توکل به خدا و در راه خدا و بر آیین پیامبر خدا حرکت کنید، مکر نکنید، خیانت نورزید، دشمن را قطعه قطعه نکنید، هیچ درختی را جز به ناچاری قطع مکنید و هیچ پیرمرد فرتوت و کودک و زنی را نکشید. (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳)

۱۱- مساوات با رزمندگان

رسول گرامی اسلام چه در زندگی عادی و چه در زندگی جنگی، امتیاز ویژه‌ای برای خویش قائل نبود، جز آنچه که رهبری و فرماندهی اقتضا می‌کرد. در مسیر جنگ بدر تعداد مرکبهای سواری مسلمانان اندک بود و به ناچار هر چند نفر از یک شتر استفاده می‌کردند. آن حضرت نیز چنین کرد و با حضرت علی (ع) و یک نفر دیگر به نوبت یک شتر را سوار می‌شدند، دو شریک پیامبر (ص) پیشنهاد کردند که پیاده بروند و ایشان سوار باشد، اما نپذیرفت و فرمود: شما از من نیرومندتر نیستید و من از شما به پاداش بی‌نیازتر نیستم.

گرسنگی در جنگ خندق به مسلمانان بسیار فشار می‌آورد، هیچ وقت دیده نشد که پیامبر خدا (ص) غذای ویژه‌ای بخورد یا از غذاهای موجود سهم بیشتری به خود اختصاص دهد، چه بسا که یارانش را ترجیح می‌داد و غذا و لباس خوب را به آنان می‌بخشید. روشن است که این رفتار در روحیه رزمندگان اسلام بسیار مؤثر می‌افتاد و آنان را به ایثار و فداکاری تشویق می‌کرد.

نتیجه‌گیری:

پیامبر اسلام پیامبر رحمت است آن هم رحمت برای همهٔ جهانیان، نه تنها مسلمانان از رحمت پیامبر برخوردارند بلکه غیر مسلمانان نیز از این وجود مبارک بهره‌مند هستند.

«و ما ارسلناک الا رحمہ للعالمین (انبیاء، ۱۰۷): «و ما تو را نفرستادیم مگر رحمت برای جهانیان».

چنین پیامبری در سخت‌ترین شرایط نیز اخلاق انسانی و اسلامی را فراموش نمی‌کند و خواهان هدایت همه انسانها می‌باشد. نمونه‌های عملی که از



رفتار پیامبر اسلام (ص) ارائه گردید، نشانگر رعایت اصول انسانی و اخلاقی در سخت‌ترین شرایط یعنی جنگ با دشمنان است.

به فرموده قرآن کریم، رسول خدا (ص) برای آنان که به خدا و روز بازپسین امید دارند و خدا را فراوان یاد می‌کنند اسوه حسنه است. (احزاب، ۲۱) این آیه در میان آیات مربوط به جنگ احزاب جای گرفته است و این تأکید می‌کند که یکی از ابعاد شخصیت رسول خدا که مؤمنان باید به آن تأسی جویند، سیره و روش آن حضرت در جهاد با دشمن است، هر چند این آیه مطلق است و بر لزوم تأسی به آن حضرت در تمامی کارها می‌باشد. لذا فرماندهان مسلمان در هر جایگاهی که هستند باید به فراخور وظایف و اختیارات خود، رسول خدا (ص) را الگوی خویش قرار دهند و به آن حضرت به ویژه در بُعد اخلاق فرماندهی رسول خدا (ص) اقتدا کنند.

ارائه نمونه‌های عملی که رسول خدا (ص) در جنگها و برخوردهای نظامی داشته‌اند، می‌تواند تبلیغات دشمنان اسلام را که ما را متهم به خشونت‌طلبی و مسلمانان را ترورسیم قلمداد می‌کنند خنثی نماید و چهره‌ای انسانی و صلح‌طلب از دین اسلام ارائه دهد.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- پورامینی، محمدباقر (با همکاری جمعی از محققان) (۱۳۸۶): پیامبر اعظم، سیره و تاریخ، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونت آموزشی و تبلیغ، اداره مشاوره و پاسخ.
- ۳- تقی‌زاده اکبری، علی (۱۳۸۵): فصلنامه حُصون، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۴- حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۸۱)، ارزیابی سیاسی - نظامی جنگهای پیامبر اکرم (ص) مرکز تحقیقات اسلامی.
- ۵- عبداللهی، مهدی (۱۳۸۰): جهاد و دفاع در اسلام، تهران، اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۶- قرائتی محسن (۱۳۸۵): سیره پیامبر اکرم، تهران، اداره آموزش عقیدتی سیاسی، ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۷- نصیری، محمد (۱۳۸۷): تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، مرکز برنامه‌ریزی و تدوین ستون درسی.
- ۸- یوسفی غروی، محمدهادی (۱۳۸۲) تاریخ تحقیقی اسلام، ترجمه حسین علی‌عربی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).